



كلية اللغات

قسم اللغة العربية وآدابها

رسالة مقدمة لنيل درجة الماجستير في فرع اللغة العربية وآدابها
ترجمة التعابير الاصطلاحية العربية المعاصرة والكشف عما يعادلها في الفارسية في كتاب
«معجم التعبير الاصطلاحي في العربية المعاصرة» (من الباء حتى الزاي)

الأستاذة المشرفة:

الدكتورة منصوره زركوب

الأستاذ المشرف المساعد:

الأستاذ الدكتور محمد خاقاني إصفهاني

الطالبة

آزاده حيدري

شهرير ١٣٩٢

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان
نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده زبان‌های خارجی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

خانم آزاده حیدری تحت عنوان

ترجمه و معادل‌یابی تعبیرهای اصطلاحی معاصر زبان عربی در کتاب «معجم

التعبیر الاصطلاحی فی العربیة المعاصرة» (حروف باء، تاء، ...، زاء)

در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان‌نامه دکتر منصوره زرکوب با مرتبه علمی استادیار

۲- استاد مشاور پایان‌نامه دکتر محمد خاقانی اصفهانی با مرتبه علمی استاد

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مهدی عابدی جزینی با مرتبه علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر ماجد نجاریان با مرتبه علمی استادیار

مدیر گروه زبان و ادبیات عربی
دکتر سید محمد رضا ابن الرسول

یارب دل ما را توبه رحمت جان ده درد همه را به صبر می درمان ده

این بنده چه داند که چه می باید جست داننده تویی هر آنچه دانی آن ده

از آنجایی که تجلیل از معلم، پاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تا این می کند و سلامت امانت بانی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل": از استاد با کلمات و شیایه؛ سرکار خانم دکتر منصوره زرکوب که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کجی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ و همچنین از استاد صبور و باتقوا، جناب آقای دکتر محمد خاقانی اصفهانی، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پرونده به نتیجه مطلوب نمی رسید؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم، باشد که این خردترین، بنحشی از زحمات آنان را پاس گوید.

شکر و سپاس خدای را که بزرگترین امید و یاور در لحظه لحظه زندگیست.

اکنون حاصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام بخش آلام زمینی‌ام است. به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پر مهر پدرم. به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان مادرم، که هرچه آموختم در مکتب عشق‌شما آموختم و هرچه بگوختم قطره‌ای از دریای بی‌کران مهربانیان را سپاس توانم بگویم.

امروز، سستی‌ام به امید شامست و فردا کلید باغ به‌شتم رضای شما، ره آوردی کران سنگ تراز این ارزان نداشتیم تا به خاک پایتان نثار کنم، باشد که حاصل تلاشم، نسیم کوزه، غبار خشکی‌تان را بروداید.

الملخص

لكل لغة مفردات معيّنة المعاني إضافة على الوحدات اللغوية التي لا تفني ترجمتها اللفظية بالمقصود. منها التعابير الاصطلاحية التي تواجه المترجم صعوبات لترجمتها كما هي الحال بالنسبة للأمثال والمصطلحات. نحن في هذه الرسالة قمنا بترجمة قسم من الكتاب «معجم التعبير الاصطلاحي في العربية المعاصرة» [من الباء حتى الزاي] الذي ألفه الدكتور محمد محمد داود ونشره سنة ٢٠٠٣. فالرسالة هذه تعدّ محاولة متواضعة لتقليل هذه الصعوبات وسدّ حاجة الطلاب والمترجمين في مجال ترجمة التعابير الاصطلاحية المتداولة في العربية المعاصرة.

هذه الرسالة مواصلة لجهود السابقين الذين قاموا بترجمة المعاجم اللغوية والمعاجم الخاصة للعربية وقد دوّنت في ثلاثة فصول على أساس المنهج التحليلي _ التوظيفي: الفصل الأول الذي يتضمّن كليات البحث، والفصل الثاني الذي يختصّ بترجمة قسم «الباء، التاء، ...، الزاي» من الكتاب المذكور والكشف عمّا يعادل تعابير هذا القسم؛ وفي الفصل الثالث قمنا بدراسة مسيرة التغييرات التي تطرأ على المصطلحات و التعبيرات، وأخيراً ألحقنا بهذه الرسالة التعابير الفارسية وما يعادلها في جدول. مما استنتجنا من هذا البحث أنّ التعابير الاصطلاحية في الفارسية والعربية لها مضامين وموضوعات مشتركة حيث نرى عدّة تعابير عربية مستخدمة في الفارسية بنفس اللفظ والمعنى.

المفردات الرئيسية: «معجم التعبير الاصطلاحي في العربية المعاصرة»، الكشف عن المرادف، الترجمة، اللغة العربية، اللغة الفارسية.

چکیده

هر زبان علاوه بر واژگانی که دارای معنای مشخص است، ساخت‌های زبانی دیگری دارد که در بیشتر موارد ترجمه لفظی آن‌ها وافی به مقصود نیست. تعبیرهای اصطلاحی نیز چون مثل‌ها و اصطلاحات از آن جمله بوده و همواره یکی از دشواری‌های ترجمه به شمار می‌رود. رساله حاضر با ترجمه قسمت «باء، تاء، ... زاء» از کتاب «معجم التعبير الاصطلاحی فی العربیة المعاصرة» تألیف دکتر محمد محمد داود که در سال ۲۰۰۳ منتشر گردیده است، و با معادل‌یابی تعبیرهای آن، سعی دارد گامی هرچند کوچک در جهت کاستن از دشواری‌های ترجمه برداشته و نیاز دانشجویان و مترجمان را در زمینه ترجمه تعبیرهای اصطلاحی متداول در زبان روزمره عربی، برآورده سازد. این رساله در ادامه تلاش‌های کسانی است که از دیرباز تا کنون در جهت ترجمه فرهنگ‌های لغت عربی و نیز فرهنگ‌های اختصاصی این زبان، صورت گرفته است. تدوین این رساله با شیوه تحلیل محتوایی-کاربردی در سه فصل صورت گرفته است: فصل اول که شامل کلیات پژوهش است. در فصل دوم به ترجمه قسمت «باء، تاء، ... زاء» از کتاب مذکور و معادل‌یابی تعبیر اختصاص داده شده است. در فصل سوم نیز به بررسی روند تغییر معنایی در اصطلاحات مورد پژوهش پرداخته‌ایم، و در نهایت نیز تعبیر و معادل فارسی آن‌ها را در جدولی ضمیمه رساله قرار داده‌ایم. از جمله نتایج حاصل از این پژوهش آن است که تعبیرهای اصطلاحی زبان عربی و فارسی، در برخی موارد چه از نظر مضمون و موضوع مشترک هستند و در مواردی، تعبیر عربی عیناً از نظر لفظی نیز در زبان فارسی به کار می‌رود.

کلید واژه‌ها: «معجم التعبير الاصطلاحی فی العربیة المعاصرة»، معادل‌یابی، ترجمه، زبان عربی، زبان فارسی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱_۱	شرح و بیان مسئله تحقیق.....
۲_۱	پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....
۳_۱	اهداف تحقیق.....
۴_۱	اهمیت و ارزش تحقیق.....
۵_۱	کاربرد نتایج تحقیق.....
۶_۱	فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق.....
۷_۱	روش تحقیق.....

فصل دوم: ترجمه کتاب

۶	حرف باء.....
۴۰	حرف تاء.....
۸۲	حرف ثاء.....
۸۷	حرف جیم.....
۱۰۱	حرف حاء.....
۱۲۰	حرف خاء.....
۱۴۰	حرف دال.....
۱۴۹	حرف ذال.....
۱۵۴	حرف راء.....
۱۷۵	حرف زاء.....
۱۸۰	علائم اختصاری.....

فصل سوم: بررسی روند تغییر معنایی در اصطلاحات مورد پژوهش

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۸۱	مقدمه
۱۸۱	۱-۳- تعریف معناشناسی
۱۸۲	۲-۳- پیشینه معناشناسی در جهان اسلام
۱۸۳	۳-۳- مهمترین عوامل تغییر معنایی
۱۸۶	۴-۳- اشکال تغییر معنایی
۱۹۲	نتایج تحقیق
۱۹۵	جدول عربی - فارسی
۲۲۷	جدول فارسی - عربی
۲۵۹	تعریف الرسالة
۲۶۳	منابع و مآخذ

پیشگفتار

در هر زبان ترکیبها و عبارتهایی وجود دارد که بر زبان مردم مصطلح شده و اهل آن زبان آنها را در معانی خاص و مناسبات مشخصی به کار می‌برند. در این ترکیبها، گاه واژگان معانی اصلی و لغوی خود را از دست داده و از طریق ترکیب یا استعمال، معانی دیگری کسب کرده‌اند. این گونه عبارتها را تعبیرهای سیاقی می‌نامند؛ اما گاه خروج این ترکیبها و عبارتها از معنای لغوی آنها به سوی معنایی بلاغی و اصطلاحی است که از طریق استعاره و یا به صورت کنایی به دست می‌آید. این گونه ترکیبها را تعبیر اصطلاحی می‌نامند. (ابو سعید، ۱۹۸۷: ۵)

مؤلفان و زبان‌شناسان گاه در تفکیک این دو دچار اختلاف گردیده‌اند. چنان‌که مؤلف کتاب مورد ترجمه ما در این باره می‌گوید: برخی از تعبیر در نگاه نخست سیاقی به نظر می‌رسند اما من آنها را با توجه به کاربردشان در متون اصطلاحی قرار دادم. این اختلاف نظر در باب تشخیص سیاقی یا اصطلاحی بودن تعبیر امری جدید نبوده و دیگر زبان‌شناسان نیز به آن مبتلا هستند. (محمد داود، ۲۰۰۳: ۱۲ و ۱۳)

اهمیت معادل‌یابی تعبیرهای اصطلاحی از آنجاست که زبان عربی سرشار از این گونه تعبیرها بوده و مترجم بدون آشنایی با معادل آنها نمی‌تواند با ترجمه لفظی آنها معنای زبان مبدأ را آن گونه که شایسته است به زبان مقصد منتقل نماید.

بنابراین در رساله حاضر با گزینش یکی از فرهنگ‌های تعبیرات اصطلاحی زبان معاصر عربی و ترجمه قسمتی از آن به معادل‌یابی ۵۸۸ تعبیر معاصر زبان عربی پرداخته‌ایم. این کار در سه فصل به انجام رسیده است، فصل اول شامل کلیات پژوهش است. در فصل دوم به ترجمه قسمت حروف (باء، تاء، ...، زاء) از کتاب مذکور پرداخته و تعبیرهای موجود در این بخش را معادل‌یابی نموده‌ایم. فصل سوم نیز به بررسی روند تغییرات تعبیرات اختصاص یافته است. در پایان و پس از بیان نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، تعبیرهای اصطلاحی و معادل فارسی آنها در دو جدول به صورت عربی به فارسی و فارسی به عربی ضمیمه رساله کرده‌ایم.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. شرح و بیان مساله پژوهشی:

اصطلاحات و تعبیرهای اصطلاحی همواره یکی از دشواری‌های ترجمه بوده است و در غالب موارد ترجمه تحت اللفظی گویای مطلب مقصود مؤلف نیست، گذشته از آن زبان عربی و به خصوص عربی معاصر سرشار از تعبیرهای اصطلاحی است؛ بنابراین یک خواننده و مترجم غیر عرب، هنگام خواندن این متن‌ها، نمی‌تواند بدون اطلاع کافی از مفهوم و معادل آن در زبان مادری خویش حق فهم و ترجمه مطلب را ادا نماید؛ از طرفی ترجمه و معادل‌یابی همراه با بیان کاربرد این تعبیرهای اصطلاحی می‌تواند کمک قابل توجهی به خوانندگان غیر عرب و مترجمین نماید. بر همین اساس ما کتاب «معجم التعبير الاصطلاحي في العربية المعاصرة» تألیف دکتر محمد محمد داود را که در سال ۲۰۰۳ توسط دار غریب للطباعة والنشر والتوزیع در قاهره به چاپ رسیده و منتشر شده است برگزیده‌ایم. در این کتاب تعبیرهای اصطلاحی معاصر در زبان عربی به همراه مفهوم اصطلاحی آن‌ها و مثال‌هایی برای کاربردهای آن آمده است. ما برآنیم تا ضمن ترجمه ی قسمت‌های «باء» و «تاء» و «ثاء» و «جیم» و «حاء» و «خاء» و «دال» و «ذال» و «راء» و «زاء» آنها را در فارسی معادل‌یابی کنیم.

۱-۲. تاریخچه و پیشینه موضوع

ترجمه فرهنگ لغت‌های عربی و یافتن معادل و مترادف کلمه‌های عربی، در زبان فارسی کم سابقه نیست و هرچه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، این گونه ترجمه و معادل‌یابی‌ها در مورد مثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات بروز بیشتری پیدا می‌کند. اما در زمینه ترجمه و معادل‌یابی تعبیرهای اصطلاحی معاصر زبان عربی، در حد اطلاع حاصل شده، تنها یک کار مشابه صورت گرفته است و آن کتاب «معجم التراكيب و العبارات الاصطلاحية

العربية القديم منها و المولد» است که آقای احمد ابو سعید آن را نگاشته و اولین چاپ آن در سال ۱۹۸۷ توسط دار العلم للملایین در بیروت انجام و منتشر شده است. این کتاب را یکبار آقایان عباس اقبالی و رضا میر احمدی مشترکاً با عنوان «فرهنگ تفصیلی اصطلاحات و تعبیرات» ترجمه نموده‌اند که نشر عیاران آن را در سال ۱۳۸۵ چاپ و منتشر کرده است. این اثر تنها ترجمه فرهنگ عربی است؛ و بار دیگر آقای دکتر عباس اقبالی ترکیبها و تعبیرهای اصطلاحی آن را در زبان فارسی معادل‌یابی کرده است که این اثر با عنوان «فرهنگ تطبیقی کنایات عربی - فارسی» در سال ۱۳۸۹ توسط نشر جمال در قم چاپ و منتشر گردیده است. آقای ابو سعید در کتاب خود ترکیبها و تعبیرهای اصطلاحی را آورده و سپس مفهوم آنها را بیان نموده است؛ در مواردی هم این مفهوم را در قالب یک جمله به خواننده انتقال می‌دهد و هر جا که لازم دیده است به ماجرای کاربرد آن ترکیب هم اشاره می‌کند و از نمونه‌های شعری نیز بسیار بهره می‌گیرد؛ همان گونه که از نام کتاب برمی‌آید آقای ابو سعید اصراری بر جدید بودن ترکیبها و تعبیرها ندارد و در موارد بسیاری داستان کاربرد و شاهد مثال‌هایی را که می‌آورد به قرن‌ها قبل باز می‌گردد. اما پژوهش ما بر اساس کتاب «معجم التعبير الاصطلاحی فی العربية المعاصرة» تألیف دکتر محمد محمد داود است که انتشارات دار غریب للطباعة والنشر و التوزیع در سال ۲۰۰۳ در قاهره آن را چاپ و منتشر کرده است.

آقای محمد داود، در کتاب خود تعبیرهای اصطلاحی در عربی معاصر را گرد آورده، مفهوم آن را بیان می‌کند و به شکل کاربردی در یک جمله به کار می‌گیرد ضمن این‌که در بیشتر این تعبیرها به معنای لغوی اجزای آنها نیز اشاره می‌کند؛ ویژگی بارز این کتاب معاصر بودن تعبیرها و کاربردی کردن آنها در جمله است. هدف ما در این پایان‌نامه این است که ضمن ترجمه این کتاب، همزمان این اصطلاحات را معادل‌یابی کرده. به عبارت دیگر تفاوت کار ما با نمونه مذکور اولاً در این است که تکیه کتاب انتخاب شده بر تعبیرهای معاصر است و ثانیاً ترجمه و معادل‌یابی، همزمان در این پایان‌نامه انجام می‌گیرد. لازم به ذکر است قسمت اول این کتاب یعنی حرف «الف» آن توسط خانم مریم ابراهیمی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان از صفحه ۱۷ تا صفحه ۱۵۸ در سال ۱۳۹۱ ترجمه و معادل‌یابی شده است.

۳-۱. اهداف تحقیق:

- بر طرف کردن نیاز دانش‌پژوهان و مترجمان فارسی زبان در فهم بهتر و صحیح‌تر متون معاصر عربی.
- در اختیار نهادن معادل‌هایی مناسب برای تعبیرهای اصطلاحی معاصر در زبان عربی.
- آشنایی با تعبیرهای اصطلاحی معاصر در زبان عربی و کاربرد آنها.

۴-۱. اهمیت و ارزش تحقیق:

یکی از دشواری‌های ترجمه، تعبیرهای اصطلاحی است، چرا که معنای آنها غالباً غیر از آن است که از ظاهر الفاظشان برآمده و در فرهنگ‌ها نگاشته شده است. از یک سو عدم آشنایی با معادل صحیح و کاربرد آن-ها، گاه خواننده و مترجم را سخت به بیراهه سوق می‌دهد و از سوی دیگر متون معاصر عربی سرشار از تعبیرهای اصطلاحی است. بنابراین، این پژوهش می‌تواند گامی هرچند کوچک در جهت کاستن از این نوع دشواری‌ها بوده و خوانندگان و مترجمان فارسی‌زبان را در جهت فهم و ترجمه بهتر متون عربی یاری رساند.

۵-۱. کاربرد نتایج تحقیق:

- ترجمه متون عربی به ویژه متون معاصر.
- پژوهش‌های فرهنگی بین دو زبان فارسی و عربی.
- بررسی میزان تأثیر این دو زبان بر یکدیگر و داد و ستدهای صورت گرفته در آن‌ها.
- این پژوهش در ادامه سایر پژوهش‌های مشابه از دیگر حروف این فرهنگ، یک فرهنگ دو زبانه کاربردی را در اختیار پژوهش‌گران و مترجمین قرار می‌دهد.

۱-۶. فرضیه‌ها یا سؤالی‌های تحقیق

- چند درصد از اصطلاحات و تعبیرات موجود در این کتاب لفظاً در فارسی و عربی عیناً شبیه به هم هستند؟
- آیا اصطلاح یا تعبیر اصطلاحی در این کتاب هست که در فارسی معادل نداشته باشد؟
- روند تغییرات اصطلاحات و تعبیرات هنگام معادل‌یابی چگونه بوده است؟

۱-۷. روش تحقیق

قبل از آغاز ترجمه و معادل‌یابی، متن کتاب یک بار مورد مطالعه قرار گرفته است؛ پس از مطالعه هر تعبیر و توضیحات مربوط به آن اگر معادلی به ذهنمان خطور می‌کرد آن را یادداشت می‌کردیم تا در مراحل بعد مورد بررسی قرار گرفته و درستی یا نادرستی آن مشخص شود. پس از آن اقدام به ترجمه بند به بند بخش دوم کتاب مذکور نمودیم، در این راستا برای یافتن ترجمه واژه‌ها از فرهنگ‌های عربی به فارسی و گاه نیز از فرهنگ‌های عربی به عربی استفاده کردیم.

پس از ترجمه شرح و توضیح مؤلف در مورد تعبیر به جستجوی معادل آن در فرهنگ واژگان، کنایات، اصطلاحات و مثل‌ها پرداختیم. تعدادی از تعبیرهای اصطلاحی را در این مرحله معادل‌یابی نمودیم. اما برای معادل‌یابی تعدادی از آن‌ها می‌بایست به سایت‌های اینترنتی نیز مراجعه می‌کردیم تا کاربرد بیشتری از آن را در متون عربی روز ببابیم؛ در این میان از امکانات ترجمه گوگل نیز بی‌بهره نماندیم. اما در نهایت برای تعداد محدودی از تعابیر، معادل فارسی مناسبی نیافتیم که به ناچار به ترجمه آن بسنده کردیم. لازم به ذکر است که با وجود معادل‌یابی برخی از تعابیر، نتوانستیم از کاربرد آن معادل در ترجمه شاهد مثال استفاده کنیم، زیرا فضای جمله بیشتر متناسب با ترجمه تعبیر بوده، نه معادل آن، مثلاً در تعبیر «بین شقی الرحی» که معادل آن «در منگنه قرار گرفتن» است، اما در جمله نمونه مؤلف به معنای «بین دو مخمصه گیر افتادن» به کار رفته است. همچنین گاه برای یک اصطلاح چند معادل مناسب وجود داشته اما در ترجمه نمونه مؤلف تنها می‌توانستیم از یکی از آن‌ها استفاده کنیم. این نکته را نیز باید اضافه کرد که، در برخی از جمله‌ها علاوه بر ترجمه معنایی که به معادل تعبیر برمی‌گردد یک ترجمه ارتباطی نیز در صورت لزوم آورده شده است، برای درک بهتر این مطلب میتوان به تعبیر «تأرجح بین... و...» اشاره کرد، که معادل تعبیر «در نوسان است/ دو دل است» می‌باشد، جمله نمونه مؤلف این گونه است:

□ تأرجح أداء اللاعبین بين القوة والضعف في المباراة الأخيرة.

ترجمه معنایی این جمله این گونه است «عملکرد بازیکنان در مسابقه اخیر بین قدرت و ضعف در نوسان بوده است» در حالی که ترجمه ارتباطی آن چنین است: «بازیکنان در مسابقه اخیر گاه قوی عمل کرده‌اند و گاه ضعیف».

پس از پایان فصل دوم یعنی همان بخش اصلی پایان نامه که شامل ترجمه متن کتاب (قسمت: باء، تاء، ...، زاء) و معادل‌یابی تعبیرهای اصطلاحی موجود در آن است، در فصل سوم به بررسی روند تغییرات اصطلاحات و تعبیرات پرداخته‌ایم. در نهایت باید یادآور شویم که:

— بر اساس رویکرد مؤلف گاه معادل‌های فارسی به زبان عامیانه نزدیک می‌شود.

— تعبیرهای اصطلاحی و معادل فارسی آن‌ها را بر اساس ترتیب الفبایی مؤلف در یک جدول ضمیمه رساله نموده‌ایم.

— معادل‌های فارسی این اصطلاحات لزوماً فارسی نبوده بلکه کاربرد آن‌ها در زبان فارسی رایج شده است، یعنی ممکن است این اصطلاحات از زبان‌های دیگر از جمله عربی یا انگلیسی یا غیره وارد زبان فارسی شده باشند.

— در ترجمه آیات قرآن از ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند و استاد بهاء الدین خرمشاهی استفاده کرده‌ایم و از آنجا که بیشتر ترجمه‌ها از استاد فولادوند گرفته شده‌اند ارجاع داده نشده، اما در مواردی که از ترجمه استاد خرمشاهی استفاده شده به آن ارجاع داده شده است.

— در مواردی که این اصطلاحات را در فرهنگ لغت‌های دیگر پیدا کرده‌ایم به آن‌ها ارجاع داده شده است ولی در مواردی که ارجاع داده نشده ترجمه و معادل‌یابی از خود نگارنده است.

— در معادل‌هایی که از طرف خود نگارنده نوشته شده‌اند با مراجعه به سایت‌ها و کتاب‌های کنایات و ضرب

المثل‌های فارسی از جمله: پندودستان‌یاب، فرهنگنامه کنایه منصور میرزانی، و امثال الحکم دهخدا، که در

فهرست منابع و مآخذ نیز به آن‌ها اشاره شده، از درستی کاربرد آن‌ها در فارسی اطمینان حاصل کرده‌ایم.

— در مواقعی — چه در ترجمه و چه در معادل‌یابی — برای عبارت چند ترجمه و معادل وجود داشت که همه آن‌ها را آورده و با علامت (/) از هم جدا کرده‌ایم.

— در مواقعی که از خود، واژه یا عبارتی را به ترجمه افزوده‌ایم آن را درون کروشه [] قرار داده‌ایم.

— اگر در کتاب‌های مذکور معادل‌هایی را یافتیم که چندان با تعبیر مطابقت نداشت در پاورقی توضیح داده‌ایم.

فصل دوم ترجمه کتاب

حرف باء

۱/۲- باثر رجعي: مشمول قانون عطف به ماسبق است (آ، ۹۰: ۲۲۸)

اصلاح کاری و جبران آن.

□ صدر قانون المكافآت للعاملين بأثر رجعي.

- صدور قانون پاداش کارکنان مشمول قانون عطف به ماسبق شد.

(اثر در این اصطلاح به معنی تأثیر است، یعنی آنچه که تأثیرش به ماقبل برمی‌گردد، اثر در متون قدیم نیز به معنی تأثیر به کار رفته است، لسان العرب/أ ث ر. صفت آن "رجعي" آمده که منسوب به "الرجعة" است، یعنی چیزی که به ابتدای کار برمی‌گردد و در آن تأثیر می‌گذارد، این اصطلاح امروزه بیشتر در ساختار قوانین به کار می‌رود که شامل موارد قبلی هم می‌گردد).

^۱- لازم به ذکر است که شماره ۲ نشانه دومین حرف الفبا و شماره ۱، نشانه اولین تعبیر از حرف باء است که بقیه حروف نیز طبق همین روش - که روش مؤلف است - شماره گذاری شده است.

۲/۲ - بائعات الهوی: روسپی‌ها/ هرزه‌ها/ فاحشه‌ها

تعبیری است که به زنانی که کارهای پست و زشت انجام می‌دهند اطلاق می‌شود.

□ یحذر الآباء أبناءهم من السقوط فی شرک بائعات الهوی.

- پدران فرزندان‌شان را از افتادن در دام فاحشه‌ها برحذر می‌دارند.

(زیرا آنان با مردان هوسران، بر سر هوی و هوس خود معامله می‌کنند. این تعبیر گویای میزان سقوط اخلاقی و تحقیر جسمی انسان و دادوستد بر سر آن است).

۲/۳ - بادئ ذي بدء: پیش از هر چیز/ در آغاز (آ، ۹۰: ۲۹)

اولین چیزی که در هر کاری گفته می‌شود، و بیشترین کاربرد این اصطلاح در ابتدای خطابه‌ها و مقالات و کتاب‌هاست، همچنان که آمده:

□ بادئ ذي بدء، فالعلم يقوم علی المنهجية والنظام.

- پیش از هر چیز، علم بر روش‌مندی و قانون‌مندی استوار است.

(این تعبیر در قدیم نیز به همین معنی امروزی آمده است، بسیاری از خطابه‌ها با آن آغاز شده، گفته می‌شد: "أما بادئ بدء" [اما پیش از هر چیز]، یا "بادئ ذي بدء فيئني أحمد..." [پیش از هر چیز خداوند را سپاس می‌گویم]، [نک: لسان العرب/ب د أ.].

۲/۴ - بارد: سردمزاج/ بی تفاوت

انسان منفی‌گرایی که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و در برابر موقعیت‌هایی که نیاز به واکنش و عمل دارد بی-تفاوت است.

□ لا تحاول بعث نخوته؛ إنه إنسان بارد

- سعی نکن که که غرور او را برانگیزی چرا که او انسان بی‌تفاوتی است.

(البرودة" برای فقدان تکبر و دلالت بر منفی‌گرایی استعاره گرفته شده است، گویی برای روح سردی‌ای مانند سردی هوا و غیره وجود دارد، در قدیم گفته‌اند: "أبرد من مستعمل النحو في الحساب" [سردتر از کاربرد نحو در حساب و کتاب]، مجمع الامثال ۱/۲۰۸).

۲/۵ - بارقة أمل: روزنه امید/ نور امید/ روشنای امید (م) / بارقه امید (آ، ۹۰: ۳۵)

امید کمی نسبت به بهبود اوضاع و زدوده شدن غم و ناراحتی و غصه.

□ لا یجیا الإنسان بدون بارقة أمل.

- انسان بدون نور امید زنده نمی‌ماند.

("البارقة" از "البریق" که خود نیز برگرفته از "البرق" است، لسان العرب/ب ر ق. امید، به نور درخشان تشبیه شده است، چرا که امید، ناامیدی را می‌زداید و [انسان را] به راههای نجات هدایت می‌کند).

۶/۲ - باع القضية: پا پس کشید

از مسأله‌ای که از آن دفاع می‌کرد دست کشید و دیگر به آن موضوع وابستگی ندارد.

□ لا تحاوره فی شأن عامّ لقد باع القضية.

- در مورد مسائل عمومی با او صحبت نکن چراکه او پا پس کشیده است.

(در این تعبیر برای بیان قطع وابستگی از واژه فروش استفاده شده است، گویی هزینه قطع وابستگی و سرسپردگی خود را ستانده است، این اصطلاح الهام‌گر خیانت است).

۷/۲ - باع طویل:

به دو معناست:

۱- برای بیان تجربه و کارآیی در کاری، به کار می‌رود. (توانمندی/ ید طولایی داشتن)

□ نجیب محفوظ کاتب له باع طویل فی الروایة

- نجیب محفوظ نویسنده‌ای است که در رمان نویسی توانمندی زیادی دارد.

۲- مشارکت و تأثیر زیاد. (نقش مهم)

□ لمصر باع طویل فی نهضة الشعوب العربية.

- مصر نقش مهمی در خیزش ملت‌های عربی دارد.

"باع" در اصل فاصله بین کشیدن دو دست و اعضای است که در میان آنها قرار دارد. سپس برای بیان مکارم و شاهکار زیاد استعاره گرفته شده است. لسان العرب/ب و ع. برای مبالغه در گشادگی و قدرت به صفت "طویل" مقید شده است).

۸/۲ - باکورة... (الإنتاج، العمل...): نخستین نشانه‌های تولید یا کار (آ، ۹۰: ۴۵)

ابتدای هر چیزی را گویند.

□ طرح المصنع باکورة الإنتاج بأسعار مخفضة.

- کارخانه نخستین تولیدات خود را با قیمت پایین عرضه نمود.

"الباکورة" آغاز هر چیزی را گویند، و «باکورة الفاکهة» [میوه نوبر] نیز از این جمله است، لسان العرب/ب ک ر).

۹/۲ - بالبلدي: مردمی (م) / بومی / محلی (آ، ۹۰: ۴۶)

شخص بومی بی‌آلایش.

□ دعك من الفلسفة والتعقيد و تكلم بالبلدي.

- فلسفی و پیچیده حرف نزن و خودمانی صحبت کن.

"البلدي" اسم منسوب از "بلد" می‌باشد، گویی کسی که این تعبیر را به کار می‌برد، می‌گوید: بگذار آنگونه که مردم سرزمینمان سخن می‌گویند حرف بزنیم، یعنی به سادگی و بی‌آلایشی آنها).

۱۰/۲ - بالحرف الواحد (حرفياً): عیناً / موبه مو / کلمه به کلمه / حرف به حرف (آ، ۹۰: ۱۱۷)

سخنش را همچنان که او گفت دقیقاً بازگو کرد.

□ من ليس مع أمريكا في حربها ضد الإرهاب فهو شريك للإرهابيين. هذا ما قاله الرئيس الأمريكي بالحرف الواحد.

- هر کس که در جنگ علیه تروریسم با آمریکا همراه نشود، خود شریک تروریست‌هاست، این عیناً سخنی بود که رئیس‌جمهور آمریکا گفت.

(این اصطلاح برای مبالغه در دقت به کار می‌رود، گویی شخص بازگو کننده آنچه را که گفته شده است را شنیده و آن را کلمه به کلمه نقل کرده است).

۱۱/۲ - بالدرجة الأولى: در درجه اول

برای بیان چیزی که دارای اهمیت زیادی است و اولویت دارد.

□ التقدم يعني بالدرجة الأولى. التخطيط والنظام.

- پیشرفت در درجه اول یعنی برنامه‌ریزی و ساختار روشنند.

(یعنی قبل از هر چیزی، و آن اول و مقدم بر غیر آن است).

۱۲/۲ - بالرفاء والبنين: به مبروکی و شادکامی / انشاءالله به پای هم پیر شوید / با سازش و فرزندان

بسیار (آ، ۹۰: ۲۴۱)

دعای خیر برای نوعروسان.

□ دعا الناس للمتزوجين حديثاً بالرفاء والبنين.

- مردم برای عروس و داماد با این سخن که انشاءالله به پای هم پیر شوید دعا کردند.

(تعبیری است قدیمی و اصل آن از "رفاً الثوب" [رفو کردن لباس] است، این تعبیر دعایی برای سازگاری، همکاری و حسن مصاحبت، به کار می‌رود، لسان العرب / ف أ).

۱۳/۲ - بالعربي الفصيح: به روشنی / به وضوح^۱

به روشنی و صراحت.

^۱ - دکتر آذرنوش در کتاب خود برای این اصطلاح معنی «عربی فصیح / عربی کلاسیک» را آورده است که درست نمی‌باشد (آذرنوش، ۹۰: ۵۰۸).